روزنامه صبح ایران
فرهنگی ـ اجتماعی ـ سیاسی ـ اقتصادی
صاحب امتیاز: سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسؤول: عبدالرسول وصال
نمابر: ۸۷۶۱۲۵۳ **تلفن:** ۱ـ ۸۷۶۱۷۲۰ **ـ روابط عمومی:** ۵ـ ۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران ـ خیابان خرمشهر ـ شماره ۲۱۲ **صندوق پستی:** ۵۳۸۸ ـ ۱۵۸۷۵
شمارگان: (چاپی) ۳۶۰۰۰۰ **چاپ:** چاپخانه بانک ملی
شمارگان اینترنت: ۱۲۲۳۴۰ **نشانی اینترنت:** www.iraninstitute.org
نشانی اینترانت (برای خوانندگان داخل کشور) Tel: 8890000
www.irna.com
نشانی pdf: www.iran-newspaper.com
سازمان شهرستانها و توزیع: ۸۴۱۵۲۷۲ و ۸۴۱۵۸۴۹ **ـ امور مشترکین** (اینوتان): ۸۴۱۷۷۱۵
و ۸۴۱۵۸۶۶ **ـ تلفن ایران جمعه:** ۸۷۶۱۲۵۳
آگهی ها: ۲۷ـ ۸۷۴۸۸۲ **نمابر:** ۸۷۶۹۰۰۱
ایران پیام (نیازمندیهای روزنامه ایران): ۵ـ ۸۷۳۸۸۰۱

تغییر آرایش فوتبال ایران

لیگ رقابتی

آرایش جدول رده بندی لیگ برتر فوتبال ایران در سال جاری، آرایش جالبی است که دورده بالای جدول را تیمهای فولاد خوزستان و ذوب آهن اصفهان به خود اختصاص داده اند و به احتمال بسیار زیاد عنوان قهرمانی این فصل لیگ برتر به یکی از این دو تیم شهرستانی خواهد رسید.

در پی به وجود آمدن این شرایط، برخی از کارشناسان مدعی می شوند که ضعیف شدن دو تیم استقلال و پرسپولیس به ضرر فوتبال ایران است و هرگاه که این دو تیم ضعیف شده اند، به موازات آن تیم ملی با ناکامی مواجه شده است.

اما معتقدیم که باید شرایط به وجود آمده در فوتبال کشور را به فال نیک گرفت و حتی از آن استقبال کرد.

در گذشته که فوتبال ایران محدود به این دو تیم پرطرفدار شده بود، هر بازیکنی شرط لازم و کافی برای ملی پوش شدن را عضویت در یکی از این دو تیم می دانست و به همین دلیل اغلب بازیکنان زبده در استقلال و پرسپولیس متمرکز شده بودند.

البته نباید فراموش کرد که در آن مقطع زمانی، سایر تیمها از بنیه مناسب مالی برخوردار نبودند و به همین دلیل جذابیت اقتصادی برای بازیکنان وجود نداشت.

اما این روزها بازیکنان هوشمند به خوبی دریافته اند که بهترین مکان برای بازی، باشگاههایی به غیر از پرسپولیس و استقلال هستند که هم فشار روحی وارد بر بازیکن در تیمهای دیگر به مراتب کمتر از این ۲ تیم پرطرفدار تهرانی هستند و هم پرداخت حقوق و دستمزد بازیکنان به صورت منظم در باشگاههای کم هیاهو صورت می گیرد.

از سوی دیگر، حضور مربیان خارجی در رأس کادر تیم ملی باعث شده که دیگر تیم ملی مختص به بازیکنان دو تیم قرمز و آبی نشود و تنها ملاک دعوت به تیم ملی، ارائه بازیهای قابل قبول در رقابتهای داخلی باشد.

> قدرت میان تیمهای حاضر در لیگ برتر ایران باعث شده تا نتیجه هیچ دیداری قابل پیش بینی نباشد که از دل این لیگ رقابتی یک تیم ملی قوی بیرون خواهد آمد

به همین دلیل است که هم اکنون در تیم ملی، استقلال و پرسپولیس حداکثر صاحب ۲ یا ۳ سهمیه هستند، اما تیمهایی چون فولاد و پاس بیشترین سهمیه را دارند.

اگر روند تیم ملی را طی دو سال اخیر بررسی کنیم، به این واقعیت می رسیم که این تیم از لحاظ نتیجه بسیار موفق بوده است، آن هم در شرایطی که دو تیم استقلال و پرسپولیس در شرایط آرمانی به سر نمی برند. به همین دلیل، تئوری ضعیف شدن تیم ملی در صورت ناکامی استقلال و پرسپولیس به کلی نفی می شود.

به اعتقاد کارشناسان طراز اول فوتبال جهان، تیم ملی یک کشور زمانی قدرتمند خواهد شد که رقابتهای باشگاهی آن یکطرفه و در انحصار یک یا دو تیم خاص نباشد. به عنوان مثال، تیم ملی کاتالند را در نظر بگیرید. سالهاست که بازیکنان زبده این کشور در دو تیم گلاسکو رنجرز و سلتیک متمرکز شده اند، اما تیم ملی آن به توفیقی دست نیافته است.

به هر حال تقسیم قدرت میان تیمهای حاضر در لیگ برتر ایران باعث شده تا نتیجه هیچ دیداری قابل پیش بینی نباشد که از دل این لیگ رقابتی یک تیم ملی قوی بیرون خواهد آمد.

امیدواریم که به موازات پیشرفت تیمهای شهرستانی در لیگ برتر، دو تیم استقلال و پرسپولیس نیز شرایط بهتری پیدا کنند تا اینکه رقابت میان ۱۶ تیم برتر فوتبال ایران نزدیک و تماشایی باشد.

تأملی بر روند قهقرایی بازیکن سازی در ایران

رؤیای زمین های خاکی

هنگامی که با فوتبالیست های بزرگ ایران همکلام می شویم و از آنها در ارتباط با گذشته شان و اینکه چطور به موفقیت دست پیدا کرده اند سؤال می کنیم، متفق القول می گویند: «فوتبال را از کوچه پس کوچه ها شروع کردیم.»

آن موقع ها که بچه بودیم، دور و بر خانه کوچک ما پر بود از زمین های خاکی بزرگ که به بعضی ازآنها لقب «بیابانی» می دادیم. در آن زمین های بایر، انواع و اقسام بازی های کودکانه ازالک دولک گرفته تا دستش ده و بادبادک هوا کردن و فوتبال، به انجام می رسید و البته این زمین های خاکی بهترین بستر بود برای بچه هایی که می خواستند فوتبال بازی کنند و از آنجا که در این زمین های سنگلاخی، نمی شد با توپ پلاستیکی به میدان رفت، توپ های چهل تکه مورد استفاده قرار می گرفت و ... و نطفه بازیکن سازی در دل همین زمین ها بسته می شد.

جنوب شرق تهران، همواره یکی از مراکز اصلی بازیکن سازی کشور بوده است. در این منطقه از تهران که از شمال به خیابان پیروزی، از جنوب به خیابان خاوران، از شرق به بلوار ابوذر واز غرب به خیابان ۱۷ شهریور محدود شده، بازیکنانی پا به عرصه فوتبال گذاشته اند که نامشان همواره در تاریخ ورزش و فوتبال کشور ماندگار است. علی پروین، اصغر شرقی، حسن حبیبی، محمد زادمهر، پرویز قلیچ خانی، مجید جلالی، سیدمهدی ابطحی، احمد هادی، مهدی مهدوی کیا، علی انصاریان و خیلی های دیگر که شاید ذهن یاری نکند، برخاسته از همین محلات و همان زمین های خاکی هستند. کجا هستند زمین های خاکی جنوب شرق تهران که بزرگان فوتبال از آنجا پا به توپ شده اند؟

امروزه بزرگراه هایی که رؤیاهای کودکی مان را بلعیده اند، فوتبال را نیز به یک جدال نابرابر طلبیده اند و آن را به مسلخ برده اند. به راستی بچه های امروز کجا می توانند فوتبال خود را از کوچه پس کوچه ها آغاز کنند و از زمین های خاکی به بالاترین موفقیت های ورزش دست پیدا کنند؟ آیا می توان شاهد یا گرفتن نسلی بود که فوتبال محکم را از زمین های سنگلاخی که دوستی ها و رفاقت ها در آن حرف اول را می زد، آموخته باشد؟! امروز حتی زمین شماره «۳» که روزگاری پای نامداران فوتبال را بر تن خود احساس می کرد، دارای ضوابط دست و پاگیری شده که علاقمندان را از حضور در خود منصرف می کند.

در همه جای دنیا، زمین های خاکی صاحب جایگاه است. چند سال قبل، وقتی تیم واشاش مجارستان به کشورمان سفر کرده بود تا چند دیدار دوستانه با تیم های ایرانی به انجام رساند، مدیر این تیم می گفت این باشگاه علاوه بر زمین های چمن، یک زمین خاکی نیز دارد. واشاش از جمله تیم های درجه سوم فوتبال اروپا هم محسوب نمی شود اما از رویکرد به زمین های خاکی که می تواند بازیکنان را جسور و ضدضربه کند، غافل نیست. امروز، در هر کجای این شهر و در یک چاردیواری، مشتی چمن پاشیده اند و یا آن را با فرش های سبزرنگ، مفروش کرده اند و در سر در آن تابلویی با این عنوان نصب کرده اند: «مدرسه فوتبال ...» بچه ها، نه آن بچه هایی که ناخودآگاه با یک زمین خاکی وسیع مواجه بودند و یک توپ بادی تا استعدادهای خود را در طبق اخلاص بگذارند، سوار اتومبیل های پدر می شوند و ساعتی را به منظور اینکه زیر نظر مربیانی که نمی توان به کار کشته بودن همگی آنان اعتماد داشت بر سر تمرین حاضر می شوند. در این لحظات است که گرداگرد زمین، زن ها و مردان در حالی که عطر و ادوکلن از آنها به مشام می رسد و هر کدام یک دوربین هندی کم به دست گرفته اند، از هنرنمایی بچه هایشان تصویر می گیرند. پس از ساعتی تمرین هم، این بچه ها در حالی که عرق های پیشانی شان با دستمال های کاغذی مادرانشان خشک می شود، دوباره و سوار بر اتومبیل های پدرانشان می شوند تا به خانه بازگردند.

در نهایت کدام محصول مرغوب تر است؟ محصولی که در کشاکش دهر و در تلاش و سختی فراوان پا به عرصه وجود می گذارد و یا محصولی که لای پرقوبه سن شکوفایی می رسد؟

بله، حقیقت این است که زمین های خاکی طعمه بزرگراه ها و ساختمان های بلند مرتبه شده و بچه ها نمی توانند مثل گذشته، در زمین های خاکی دنبال توپ به این سو و آن سو بدوند. اگر در گذشته فوتبال ما همواره حرفی برای گفتن داشته و باشگاه ها، خالصانه ترین بازی ها را به اجرا می گذاشتند، امروزه شاهدیم که فوتبالیست های ما و مخصوصاً آنها که باشگاهی هستند، از ارائه فوتبالی ناب عاجزند و این موضوع را می توان به عینه در همین تیم های تهرانی مشاهده کرد. چند دهه قبل، تیم های وحدت، شاهین، اکباتان، گسترش، بانک ملی و... در این فوتبال آقایی می کردند اما امروزه خزانه فوتبال تهران و متعاقباً ایران از بازیکن خالی است. آیا می توان بازی های امروز پرسپولیس را با پرسپولیس دهه ۵۰ و ۶۰ مقایسه کرد؟!

کدام یک از این تیم های نوظهور تهرانی نظیر پیکان، سایپا و صبابانری می توانند همان نقشی را بازی کنند که وحدت و شاهین در دهه های گذشته بازی می کردند. کافی بود اسم وحدت با همان ستاره هایش که از کوچه پس کوچه های خیابان عارف و زمین خاکی قیامی پا به عرصه گذاشته بودند بیاید، تا تن پرسپولیس به لرزه درآید.

خلاصه کلام اینکه، فوتبال، چند صباحی است که در این شهر مرده و ما خبر نداریم. تا وقتی که بچه ها - همه بچه ها - نتوانند بازیگوشی ها و شیطنت های خود را در زمین هایی که متعلق به هیچ کس نیستند به منصه ظهور برسانند، بیماری این فوتبال که در نهایت به مرگ منجر می شود، تداوم پیدا خواهد کرد. فوتبال، آزادی می خواهد نه انحصار و این مدارس فوتبال، جز اینکه گلوی این ورزش پر جاذبه را بفشارند به هیچ کار دیگری نمی آیند.

اشتباهات خانمانسوز

آلکس فرگوسن

آلکس فرگوسن مربی ای است که سلطه او در اولدترافورد زبانزد خاص و عام بوده اما چند ماهی است که این مربی مشهور چندین بار به اشتباهات کمرشکن خود اعتراف کرده که این اشتباهات باعث شده تا تیم وی این فصل زیر سایه چلسی محو بشود.

فرگوسن در میانه های فصل اعتراف کرد که نمی بایست تیم خود را پیش از آغاز فصل جدید به آمریکا می برد که بر اثر این سفر خسته کننده، بازیکنانی چون پل اسکولز از فرم ایده آل خارج شوند.

و اما آخرین اشتباهی که فرگوسن مرتکب شد، شتاب در بازگرداندن روددفان نیستلروی به میادین فوتبال آن هم پس از یک مصدومیت طولانی بود.

نیستلروی که سه ماه به دلیل مصدومیت از میادین فوتبال به دور بود در بازگشت مجدد خود، موفق به گلزنی در ۷ بازی نشده و هنگامی که وی در بازی با میلان در چارچوب رقابت های جام قهرمانی باشگاه های اروپا به میدان آمد کاملاً مشخص بود که از شرایط آرمانی به دور می باشد. در واقع برای دادن به وی در دیدار مقابل میلان باعث شد تا او تمام انرژی و روحیه خود را از دست بدهد و به یک بازیکن بسیار معمولی تبدیل بشود. فرگوسن در این رابطه می گوید: تیمی که می خواهد در رقابت های اروپایی مقابل میلان بازی کند، مجبور است که بازیکن بزرگی چون فان نیستلروی را به میدان بفرستد و من هم این ریسک را پذیرفتم. اما تصمیم من درست نبود چون وی حداقل به دو هفته استراحت بیشتر نیاز داشت.

اصرار فرگوسن مبنی بر استفاده مداوم از نیستلروی در ترکیب اصلی منچستر حاکی از آن است که منچستر یونایتد فاقد مهاجم برجسته ای در نوک حمله خود می باشد مهاجمی که تأثیر گذار باشد.

فرگوسن ضمن اعتراف به این واقعیت می گوید: تیم ما از لحاظ دفاعی در فصل جدید عملکرد قابل قبولی داشته اما کمتر از ۵۰ گل به ثمر رسانده ایم که برای تیمی چون منچستریونایتد بسیار اندک است.

در حال حاضر منچستریونایتد ۴ بازیکن به نام های وین رونی، لوئیس ساها، آلن اسمیت و فان نیستلروی در خط حمله خود دارد که با پرداخت ۶۵ میلیون پوند این ۴ بازیکن را خریداری کرد. به همین دلیل واقعاً جای تعجب دارد که به چه دلیل این بازیکنان گرانقیمت نتوانسته اند گل های زیادی به ثمر برسانند. البته عوامل دیگری هم در ناکامی مهاجمان منچستریونایتد دخیل بوده که از آن جمله می توان به اشتباهات مربی اشاره کرد. به هر حال، بیشترین بهره را از اشتباهات فرگوسن، تیم چلسی و خوزه مورینیو برده است.

اعترافات فرگوسن در فصل جاری

۱۷ سپتامبر ۲۰۰۴: سفر به آمریکا برای برگزاری اردوی تدارکاتی اشتباه بزرگی بود اما چون قول داده بودیم، مجبور شدیم که به تعهدات خود عمل بکنیم.

۱۸ اکتبر ۲۰۰۴: من به دلایل مختلف، از نخ صحیح را انتخاب نمی کنم و مجبورم در هر بازی ترکیب اصلی را تغییر بدهم.

ژانویه ۲۰۰۵: من از تماشاگران عذرخواهی می کنم و قول می دهم در بازی های آینده بازیکنان اصلی را در جام حذفی به میدان بفرستم.

۸ آوریل ۲۰۰۵: فرستادن فان نیستلروی به میدان پس از سه ماه مصدومیت کار اشتباهی بود.

و اما واکنش هیات مدیره منچستر یونایتد:

همگان می دانند که کادر فنی مرتکب اشتباهاتی شده است و اگر زمان به عقب بازگردد به طور حتم مربی تیم اشتباهات خود را تکرار نخواهد کرد.

گزارش حاشیه

تیم اریکسون در اوج

اگرچه گوران اریکسون مربی سوئدی تیم ملی فوتبال انگلیس معتقد است، تیم وی در حال حاضر حتی قادر است برزیل قهرمان جهان را هم شکست بدهد، اما همین تیم چند هفته پیش یک نیمه در خانه خود مقابل تیم ملی فوتبال آذربایجان که در رده بندی فیفا صاحب رتبه یکصد و شانزدهم است، اسیر بود؛ با این همه اغلب تماشاگران انگلیسی همچنان با اریکسون دست کم در این باره هم عقیده هستند که تیم ملی کشورشان در مسیر صحیحی حرکت می کند. بازیکنانی چون فرانک لمپارد، اشلی کول، ریو فردیناند، استیون جرارد و وین رونی بازیکنانی جهانی به شمار می آیند که تلفیق این بازیکنان با بازیکنان باتجربه همچون دیوید بکهام، مایکل اوئن و گری نویل تیمی قدرتمند خواهد ساخت. همچنین نباید از جول کول و جان تری نیز غافل شد که آینده درخشانی پیش رو دارند.

در حال حاضر، تمام بازیکنان ملی پوش در پست تخصصی خود بازی می کنند و اگر فرد دیگری مربی تیم ملی بود، بعید است که بازیکنان منفاوتی را به تیم ملی دعوت می کرد. اما مشکل اصلی این است که تیم انگلیس در حال حاضر نمی تواند با برزیل بازی کند و باید تا فرارسیدن جام جهانی آلمان در سال ۲۰۰۶ انتظار بکشد. اگر جام جهانی آلمان به جای تابستان سال آینده، در تابستان سال جاری برگزار می شد، به طور حتم تیم انگلیس در نقطه اوج منحنی پیشرفت خود وارد بزرگترین رویداد فوتبال جهان می شد. از بخت بد اریکسون، فصل جاری برای تیم ملی فوتبال انگلیس به پایان رسیده و این تیم تا ۶ ماه دیگر، بازی رسمی ندارد. البته تابستان امسال، تیم انگلیس به تور آمریکا خواهد رفت و شاید از آنجا اریکسون بتواند چند بازی تدارکاتی با حریفان گمنام انجام بدهد. به هر حال بعید است که اریکسون بتواند از نیمه اول این تور از کلیه بازیکنان اصلی تیمش بهره مند باشد. با توجه به محدودیت اوئن، تیم انگلیس در اولین بازی رسمی خود (۶ ماه دیگر) در برابر ولز او را در اختیار نخواهد داشت و باید تغییر شیوه بدهد. به هر حال همگان معتقدند که اریکسون بهترین تیم تاریخ فوتبال انگلیس را در اختیار دارد و تنها بحرانی که وی با آن مواجه می باشد، مسأله انتخاب کاپیتان تیم و رقابت بین سول کمپل و جان تری برای پست مدافع میانی است. البته او باید شرایط فعلی تیم خود را تا یکسال آینده حفظ بکند. از یک سو با توجه به اینکه، تیم انگلیس، تیم جوانی است، در مدت زمان باقی مانده تا آغاز جام جهانی، بازیکنان جوان، آبدیده و باتجربه تر خواهند شد. اما از حالا تا جام جهانی آلمان، بازیکنان ملی پوش باید یک فصل را در لیگ و جام باشگاه های اروپا پشت سر بگذارند که احتمال مصدومیت آنها در این رقابتها وجود دارد. از سوی دیگر شاید این بازیکنان در دام مسائل حاشیه ای گرفتار بشوند و فرم ایده آل خود را از دست بدهند. به هر حال مقایسه بازیکنان فعلی تیم انگلیس با بازیکنان تیم های قبلی نشان می دهد که اریکسون مربی بسیار خوش اقبالی است.

پل رایینسون

او مانند گوردون بنکس، فوق العاده نیست اما جاگیری هایش عالی است و از یک دروازه بان خوب نمی توان بیش از این انتظار داشت. البته اگر دیوید جیمز در برابر ترینی آن اشتباه بچه گانه را مرتکب نمی شد، رایینسون می باید روی نیمکت ذخیره ها می نشست.

گری نویل

اقبال دریافت بازوبند کاپیتانی، شیوه بازی او را تغییر داده و به همین دلیل در زمین چمن بسیار عصبانی به نظر می رسد. وی در بازی با آذربایجان برسر توپ جمع کن ها، داور بازی و کاپیتان حریف فریاد می کشید. به هر حال تجربه بالایی او در کمک مقابل از بازی بکهام در جناح راست زمین، او را به وزنه ای قابل اطمینان برای تیم ملی تبدیل کرده است.

ریو فردیناند

با توجه به اینکه مهاجمان حریفان تیم انگلیس در مرحله مقدماتی جام جهانی ضعیف بودند، ریو فردیناند محک جدی نخورد، اما وی اشتباهات خود را با بهره از سرعت بالایش جبران می کند. او باید در رقابتهای اروپایی خود را در برابر بهترین مهاجمان فوتبال جهان آزمایش کند.

جان تری

شاید وی به عنوان مرد سال فوتبال انگلیس انتخاب بشود اما درنهایت ذخیره سول کمپل در تیم ملی شود. پیش بینی می شود که رقابت جان تری و سول کمپل تا آغاز جام جهانی ادامه یابد.

اشلی کول

او نیز یکی دیگر از نامزدهای دریافت عنوان بازیکن سال فوتبال انگلیس است البته اگر مسائل حاشیه ای اجازه بدهد تا وی روی فوتبال تمرکز کافی داشته باشد.

دیوید بکهام

او هنوز بازیکن خوبی است و تکلیف کاپیتانی وی باید هرچه زودتر مشخص شود. به نظر می رسد که اریکسون او را کاپیتان اول تیمش می داند به همین دلیل از این پس نوبت به بکهام است تا پاسخ مثبتی به اعتماد مربی خود بدهد.

فرانک لمپارد

او بهترین هافبک فعلی فوتبال جهان است. او به ندرت بازی های باشگاهی وتیم ملی را از دست می دهد و در پایان اغلب بازی ها، نامزد دریافت عنوان بهترین بازیکن میدان است. تداوم این روند برای ۱۵ ماه دیگر بسیار دشوار خواهد بود.

استیون جرارد

او فتوکپی لمپارد است و به همین دلیل حضور همزمان این دو بازیکن در میانه میدان باعث تهاجمی شدن تیم انگلیس می شود.

جو کول

او فرشته نجات اریکسون در سیستم ۲-۴-۴ است چون وی یک چپ پای کلاسیک می باشد. در واقع جو کول، «دست پرورده خوزه مورینیو است و اریکسون باید از این مربی بازیکن ساز تشکر بکند.

مایکل اوئن

او گل های سرنوشت سازی را در جام های جهانی گذشته در برابر برزیل و آرژانتین به ثمر رساند اما همواره به عنوان بازیکن تیم بازنده زمین مسابقه را ترک کرد.

وین رونی

او نام خود را در جام جهانی در سراسر جهان مطرح خواهد کرد. آیا پل گاسکوین جام جهانی ۱۹۹۰ را بیاد دارید؟ او به یک گاسکوین دیگر تبدیل خواهد شد.

گوران اریکسون

اگر او قهرمان جام جهانی بشود، پس از الف رمزی، محبوب ترین مربی تاریخ تیم ملی فوتبال انگلیس خواهد شد. برای اریکسون دو حالت پس از جام جهانی وجود دارد. اگر قهرمان جهان بشود، سیل پیشنهادات گرانقیمت از سراسر جهان به سویش روانه خواهد شد و اگر شکست بخورد دیگر می شود. البته باز هم ممکن است قدر اسیون فوتبال انگلیس قرارداد وی را به مدت دو سال دیگر تمدید کند و برای هر فصل ۴ میلیون پوند دستمزد بگیرد.